آینه

کیهان

پای داعش را به ایران باز نکنید!

● **حسین شریعتمداری:** چند روز قبل، یکی از تیترهای اصلی صفحه اول کیهان را به توافق نهایی بانک مرکزی با «سازمان بین‌المللی مبارزه با پولشویی» و «کارگروه ویژه اقدام مالی» این سازمان -FATF- اختصاص دادیم و با عنوان «فروش اطلاعات بانکی در برابر وعده نسیه» به بخش‌هایی از آسیب‌های جدی این توافق در عرصه اقتصادی اشاره داشتیم. امروز اما، در پی آنیم که به خطرناک‌ترین بخش از توافق یادشده که زمینه‌سازی برای بازکردن پای داعش به جمهوری اسلامی ایران است و به آن توجه نشده است، بپردازیم. بدیهی است که هیچ‌یک از مسئولان محترم نظام حتی در دوردست‌ترین افق ذهن خویش هم اهل کمترین تسامح با تروریست‌های تکفیری نیستند، ولی اگر توافق با FATF به‌گونه‌ای تدوین شده باشد که به آن اشاره خواهیم کرد، نتیجه طبیعی آن در گام اول؛ تضعیف توان نظامی و قدرت بازدارندگی ایران اسلامی است و اعزام تروریست‌های تکفیری که از ابتدا، نیز برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران راه‌اندازی شده‌اند، در گام‌های بعدی صورت خواهد گرفت!

اعتماد

وقتی ابهت اعداد فروریخت

زهرا علی‌اکبری: آنها که امروز به فیش‌های حقوقی می‌تازند و تلاش می‌کنند از نمد حقوق‌های نجومی برای خود کلاهی بدوزند باید کمی عقب‌تر از دیروز را بنگرند. وقتی که پرونده فساد مه‌آفرید خسروی با سوءاستفاده‌ای به ارزش دوهزارو ۸۰۰ میلیارد تومان منتشر شد، اگر کسی هر ماه ۵۰ میلیون تومان حقوق بگیرد، چهارهزارو ۶۰۰ سال طول می‌کشد تا بتواند دو هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان بیندوزد. این یعنی از در ازای تاریخ مکتوب ایران بیشتر. حالا اگر قرار باشد رقم ۱۲ هزار میلیارد تومان، یعنی بدهی نفتی بابک زنجانی ملاک باشد... باید یک فرد ۲۰ هزار سال کار کند تا بتواند چنین رقمی را با حقوق ۵۰ میلیون تومانی دریافت کند. ابعاد زندگی انسانی و اعداد مذکور را قیاس کنید تا متوجه عظمت اتفاقات رخ‌داده در گذشته شوید. عظمتی که منجر به قبح‌زدایی از فساد و ریزش ابهت اعداد شد و تاوانی سخت و سنگین را نیز برای کلیت اقتصاد و اجتماع به همراه خواهد داشت، به‌ویژه در سال‌های آینده چراکه تبعات اجتماعی اتفاقاتی از این دست نه یک‌شبه و نه کوتاه‌مدت رو نمی‌شود و نوع برخورد نسل‌ها نیز با موضوعات، تفاوت‌هایی فراوان دارد.

رسالت

آمریکا و توهم تغییرات

محمدکاظم انبارلویی: مردم دیروز در راهپیمایی روز قدس کار را تمام کردند و برای آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلیس و هم‌پیمانان آن طلب مرگ و نابودی کردند. آیا دستگاه دیپلماسی کشور در همین مسیر حرکت می‌کند؟ ملت ما با آمریکایی‌ها سَر و سّری ندارد. «برجام» اولین و آخرین سَر و سِر ما با آنهاست. باید آن را تمام کرد. هیأت نظارت بر برجام شجاعانه آخرین برآورد خود را بکند. اگر آمریکایی‌ها همچنان در مدار بدعهدی می‌خواهند حرکت کنند و بالاتر از آن به قول کری، بر مدار تغییرات سیر کنند، به قول رئیس محترم مجلس باید پاسخ پشیمان‌کننده دولت و ملت ایران عملیاتی شود. جان کری گفته است نباید از تحریم‌های اولیه فاصله بگیریم. تمام فلسفه دو سال گفت‌وگوی دولت با آمریکایی‌ها حذف تحریم‌ها بود. اگر آنها می‌خواهند آن را حفظ کنند، این اعلام جنگ آشکار در پوشش قرارداد پوشالی برجام است. آنها می‌خواهند دست روی جیب خود بگذارند، هرچه خواستند بگیرند و چیزی در حد یک «نم» پس ندهند.

ایران

شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی استراتژی دولت روحانی

سیدرضا صالحی‌امیری: بی‌اعتمادی عمومی به نهادها و ساختارها و مدیران سیاسی و اقتصادی به تشدید نابرابری و افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر خواهد شد، ضمن اینکه روحانی می‌داند که کاهش سرمایه اجتماعی (اعتماد، رضایت، مشارکت) و افزایش میزان احساس بی‌اعتمادی و نارضایتی و ناامنی در سطح ملی بسیار خطرناک است و تداوم آن می‌تواند به گسترش شکاف دولت و ملت منجر شود و چون باور دارد که توسعه‌یافتگی همه‌جانبه جامعه ایران (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) راه نجات جامعه از وضع موجود است، از هر تلاشی در این مسیر فروگذار نخواهد کرد. روحانی همچنان که در شعارها و برنامه‌های دولت خود تاکید کرده که لازمه توسعه را حکمرانی خوب می‌داند، بر این اساس به ضرورت توانمندشدن شهروندان از طریق شفاف‌سازی باور دارد و در این مسیر نقد منصفانه را فرصتی بی‌نظیر و عاملی حیاتی برای جلوگیری از فساد قلمداد می‌کند. مسئله اخیر، مرز میان نقد و اصلاح با تخریب و تضعیف دولت را روشن کرد و نشان داد که چه گروهی در پی اصلاح روندها و بستن راه تفسیر منفعت‌گرایانه از قانون هستند و کدام عده با هیاهو و غوغاسالاری، در سر هوای بازگشت به دوران قانون‌گریزی را می‌پرورانند. دولت روحانی با اعتقاد به الزام پاسخ‌گویی به افکار عمومی، از طریق شفاف‌سازی توانسته زمینه احقاق حقوق شهروندان را فراهم کند و اگر بتواند آن را در همه سطوح نهادینه کند، از این پس حرکات و اقدامات هر دولتی، تحت نظر دوربین افکار عمومی قرار خواهد گرفت.

ناگفته‌های عبدالله رمضان‌زاده و محسن صفایی‌فراهانی

مدیران دولت اصلاحات چقدر حقوق می‌گرفتند

مرجان توحیدی

رمضان‌زاده سخنگوی دولت دوم اصلاحات بود. عکس: رضا معطریان

سال ۸۴ وقتی رئیس دولت اصلاحات کلید را به دولت مهرورز تحویل داد، آخرین حقوق اعضای ارشد دولت بین یک‌میلیون‌و ۲۰۰ تا یک‌میلیون‌و ۸۰۰ هزار تومان بود. بعد از گذشت هشت سال از دولت‌های احمدی‌نژاد و سه سال از عمر دولت روحانی، حالا از فیش‌هایی رونمایی می‌شود که حداقل دریافتی یک مدیر دولتی را ۱۷ تا ۱۸ میلیون تومان نشان می‌دهد. سال ۸۴ حداقل دستمزد ماهانه، ۱۲۲ هزار تومان بود و سال ۹۵ حداقل دستمزد، حدود ۹۰۰ هزار تومان است.

دلیل جهش حقوقی مدیران در این سال‌ها چه بوده است؟ آیا مدیران دولتی تا قبل از دولت احمدی‌نژاد؛ مدیران پاک‌دستی بوده‌اند؟ آیا رؤسای دولت‌های قبل از احمدی‌نژاد، مانع پرداخت‌های میلیونی می‌شده‌اند؟ اصلا آن دولت‌ها تا این اندازه منابع در اختیار داشته‌اند؟ رسانه‌ها، افکار عمومی و جریان‌های رقیب تا چه اندازه دولت را آگراندیسمان می‌کرده‌اند و اصولا شفافیت فضا چه تأثیری در بروز یافتن یا نیافتن چنین مواردی داشته است.

برای پاسخ به این پرسش‌ها، می‌توان به بررسی پرداختی‌ها و دریافتی‌های دولت اصلاحات پرداخت. علت مبدأ قراردادن دولت اصلاحات هم به دلیل تغییر وضعیت در حقوق مدیران پس از دولت‌های هفتم و هشتم است؛ تغییری که سیر صعودی داشته است. در این مقایسه می‌توان نگاهی هم به فیش‌های حقوقی مدیران دولتی یا اعضای کابینه کشورهای دیگر داشت؛ کشوری مثل ایالات متحده. بررسی میزان دریافتی‌های کابینه دولت اوباما با ایران از این نظر انجام می‌شود که اقتصاد این کشور مبتنی‌بر نظام سرمایه‌داری و اصل رقابت است. براین‌اساس در این کشور طبعا به دلیل رقابت موجود در اقتصاد که به دلیل حضور بخش خصوصی فعال است، عموما تفاوت محسوسی بین حقوق و مزایای مدیران و کارگران و کارمندان وجود دارد. بااین‌حال و با این تفاوت‌ها و وجود یک اقتصاد نابرابر، نگاهی به فاصله حقوق اعضای کابینه دولت که جزء مدیران ارشد دولتی محسوب می‌شوند با میانگین حداقل حقوق، نشان از این دارد که فاصله نامعقولی بین این دریافتی‌ها وجود ندارد.

کابینه آمریکا چقدر می‌گیرد

در ایالات متحده میانگین دستمزد سالانه، حدود ۵۴هزارو ۴۵۰ دلار است. بااین‌حال حداقل دستمزد ماهانه در ایالت‌های مختلف آمریکا متفاوت است؛ برای نمونه، در ایالت نیویورک میزان حداقل دستمزد ماهانه ساعتی ۹.۷۵ دلار، یعنی هزارو ۵۶۰ دلار است که این دریافتی به طور سالانه ۱۸هزارو ۷۲۰ دلار می‌شود. در ایالت کالیفرنیا، میزان حداقل دستمزد ماهانه، ساعتی ۱۰ دلار، یعنی هزارو ۶۰۰ دلار در ماه و سالانه ۱۹هزارو ۲۰۰ دلار است. این دریافتی در ازای ۱۶۰ ساعت کار در ماه محاسبه می‌شود که قرار است هردوی این ایالت‌ها تا سال ۲۰۲۲ میزان حداقل دستمزد را به ساعتی ۱۵ دلار افزایش دهند. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری این کشور هم برابر ۳۹۵ هزار دلار در سال دریافت می‌کند. براین‌اساس، یعنی رئیس‌جمهور ایالات متحده هشت برابر میانگین حداقل دستمزد سالانه را دریافت می‌کند. همچنین او در مقایسه با حداقل دستمزد در ایالت نیویورک تقریبا ۲۱ برابر و در مقایسه با ایالت کالیفرنیا، تقریبا ۲۰ برابر حقوق دریافت می‌کند.

این در حالی است که فاصله بین حداقل دستمزد ۸۰۰ هزار تومان یک کارگر یا کارمند دولتی در ایران با حقوق ۱۸میلیونی یک مدیر دولتی که طبعا در سطح رئیس‌جمهوری کشوری با ۵۰ ایالت نیست، تقریبا ۲۲/۵ برابر است. در این مقایسه می‌توان به حقوق سایر اعضای کابینه دولت اوباما هم اشاره کرد؛ مثلا جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور ۲۳۰هزارو ۷۰۰ دلار، اشتون کاتر، وزیر دفاع، جان کری، وزیر امور خارجه، هولیان کاسترو، وزیر مسکن و شهرسازی، سیلویا بورول، وزیر بهداشت، جک لو، وزیر خزانه‌داری، آرنی دانکن، وزیر آموزش، جان برنان، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، تام ویلساک، وزیر کشاورزی، شان دونوان، رئیس دفتر مدیریت و بودجه، اریک هولدر، دادستان کل، جیمز کلاپر، رئیس اطلاعات ملی هرکدام ۱۹۹هزارو ۷۰۰ دلار به صورت سالانه دریافت می‌کنند. جیمز کومی، رئیس اف‌بی‌ای، ۱۷۸هزارو ۷۰۰ دلار و دنیس مک‌دونا، رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید، ۱۷۲هزارو ۲۰۰ دلار دریافتی سالانه دارند. براین‌اساس، یک وزیر کابینه دولت اوباما، مثلا جان کری، ۱۰ برابر حداقل دستمزد در ایالت کالفرنیا و ۱۰/۵ برابر حداقل دستمزد در ایالت نیویورک حقوق دریافت می‌کند.

پیشنهادهایی از طرف برخی دستگاه‌ها و برخی آقایان مطرح می‌شد و آنها معتقد بودند که حقوق‌ها کم است و باید افزایش پیدا کند، اما آقای خاتمی شخصا تقریبا با همه موارد مخالفت می‌کردند و اجازه ندادند حقوق‌ها افزایش پیدا کند. جز افزایشی که براساس افزایش نرخ تورم صورت می‌گرفت، من به یاد ندارم که غیر از آن افزایش برای حقوق‌های بالا داشته باشیم

نمایندگان آمریکا چقدر می‌گیرند

سناتورهای نمایندگان مجلس نمایندگان ۱۷۴ هزار دلار در سال، سخنگوی مجلس نمایندگان ۲۲۳هزارو ۵۰۰ دلار، رهبران اکثریت و اقلیت سنا و مجلس نمایندگان، ۱۹۳هزارو ۴۰۰ دلار، رئیس بانک مرکزی ۱۹۹هزارو ۷۰۰ دلار، قاضی ارشد دیوان عالی، ۲۵۵هزارو ۵۰۰ دلار و قضات دیوان عالی ۲۴۴هزارو ۴۰۰ دلار به طور سالانه دریافت می‌کنند. حقوق نمایندگان مجلس ایران اندکی کمتر از پنج میلیون تومان است.

نکات درخور توجه در دریافتی‌های مقام‌های ارشد آمریکا

درباره میزان حقوق و دستمزد در ایالات متحده چند نکته وجود دارد؛ اول اینکه میزان پرداختی‌های مدیران به صورت شفاف در سایت‌های اینترنتی این کشور در دسترس است و می‌توان با چند کلیک متوجه این نظام پرداخت‌ها شد؛ یعنی اصل شفافیت. دوم، دقت و توجه به فاصله پرداختی‌های اعضای دولت و نمایندگان سنا و مجلس نمایندگان با میانگین حقوق سالانه در این کشور است. همان‌طور که اشاره شد این فاصله در ایالات متحده با اقتصاد نابرابر، بین هشت تا ۲۰ برابر است.

در دولت اصلاحات چه گذشته است

اما فاصله حدود ۲۰برابری بین حقوق برخی مدیران و یک کارگر یا کارمند در ایران از کجا و کدام دولت شکل گرفته است؟ تا پایان دولت اصلاحات، عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند تا در دولت اصلاحات مدیران دولتی البته به استثنای مدیران شرکت‌های دولتی و بانک‌ها، حقوق‌های متعارفی نسبت به حداقل دستمزدهای کارگری داشته باشند. همان‌طورکه گفته شد، حقوق اعضای دولت دوم اصلاحات حداکثر یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود. به‌طور مشخص، محسن صفایی‌فراهانی که آخرین مسئولیت او در دولت اصلاحات، قائم‌مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده است، به «شرق» می‌گوید آخرین دریافتی‌اش در این سمت یک‌میلیون‌و ۸۰۰ هزار تومان بوده است با همه مزایای مربوطه. او در توضیح بیشتر می‌گوید: «حتی زمانی که رئیس فدراسیون فوتبال بودم، حقوقی از این محل دریافت نمی‌کردم، چراکه حقوق نمایندگی مجلس را می‌گرفتم». عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت دوم اصلاحات و دبیر کمیسیون‌های این دولت هم به «شرق» می‌گوید از محل عضویت خود در دولت حقوقی دریافت نکرده و محلی دریافتی او از دانشگاه بوده است. به گفته رمضان‌زاده، کسانی که عضو هیأت‌علمی دانشگاه‌ها بودند، حقوق خود را از این محل دریافت می‌کرده‌اند. مثلا محمد ستاری‌فر که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود هم حقوقی به واسطه این مسئولیت دریافت نمی‌کرد و از دانشگاه حقوق می‌گرفت.

دارایی ابطحی از زبان خودش

محمدعلی ابطحی در دولت دوم خاتمی معاونت پارلمانی را بر عهده داشت. او در جریان ماجراهای بعد از انتخابات ۸۸، دستگیر شد. او با ذکر خاطره‌ای از دوران حبس خود به میزان دارایی‌اش اشاره کرده است. ابطحی در صفحه اینستاگرام خود نوشته که دوران اصلاحات «دوران تمیز مالی» بود و مهم‌ترین دلیلش حساسیت‌های غیرقابل‌اغماض رئیس دولت آن بوده است. او در یادآوری این خاطره چنین نوشته است: «در سال ۸۸، در همانجا که می‌دانید، رو به دیوار نشسته بودم. از پشت کاغذ به دستم دادند. نوشته بود: تمام اموال خود و همسر و دخترها و همسرتان را بنویسید. نیم‌ساعتی طول کشید تا ورقه را برگرداندم پشت سر. بازجو خواند. صدای پچ‌پچ می‌آمد. از پشت صدای بازجو آمد که باور نمی‌کرد. دوباره کاغذ را از پشت‌سر به من داد. نوشته بود بنویس هرچیزی غیر این فهرست پیدا شد مال حکومت باشد. این‌بار سریع جواب نوشتم، قبول دارم. آقای بازجو البته با لحنی مؤدبانه گفت این نوشته رسمی است. واقعا بقیه اموال را اگر ننوشته باشی از ملکیت بیرون می‌آید. گفتم فهمیدم. این‌بار با صدایی که من هم شنیدم، گفت قیمت و مخارج اسب‌های آقای فلانی، که او اسم آورد و من اسمش را نمی‌گویم، از اموال تو بیشتر است. هنوز شیرینی آن حرف در وجودم هست. حتما آن بازجویی‌ها و صدایش در بخش مربوطه حفظ شده است. فکر کردم به جای چالش این روزهای فیش حقوق، این ماجرا را نقل کنم. دوران اصلاحات، دوران تمیز مالی بود. واقعا مهم‌ترین دلیلش حساسیت‌های غیرقابل‌اغماض رئیس دولتش بود».

نکته

ابطحی: «در سال ۸۸، در همانجا که می‌دانید، از پشت کاغذ به دستم دادند. نوشته بود: تمام اموال خود و همسر و دخترها و همسرتان را بنویسید. ورقه را برگرداندم از پشت صدای بازجو آمد که باور نمی‌کرد

مخالفت‌های رئیس دولت اصلاحات

عبدالله رمضان‌زاده اما در ادامه گفت‌وگوی خود با «شرق» در بررسی وضعیت پرداختی‌ها در دولت اصلاحات به همین حساسیت‌های رئیس دولت اصلاحات اشاره دارد. او در توضیح خود می‌گوید: «آخرین دریافتی در دولت اصلاحات بین یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار تومان تا یک‌میلیون‌و ۳۰۰ هزار تومان بوده است». او سپس با ذکر خاطره‌ای ادامه می‌دهد: «سال ۸۱ یا ۸۲ بود که حقوق کارمندان آموزش‌وپرورش یکباره ۲۴ درصد افزایش پیدا کرده بود، درحالی‌که حقوق‌های بالا حدود ۱۰ درصد بیشتر افزایش پیدا نکرده بود».

رمضان‌زاده درباره علت افزایش‌نیافتن حقوق‌های بالا همچنین می‌گوید: «پیشنهادهایی از طرف برخی دستگاه‌ها و برخی آقایان مطرح می‌شد و آنها معتقد بودند که حقوق‌ها کم است و باید افزایش پیدا کند، اما آقای خاتمی شخصا تقریبا با همه موارد مخالفت می‌کردند و اجازه ندادند حقوق‌ها افزایش پیدا کند». او ادامه می‌دهد: «جز افزایشی که براساس افزایش نرخ تورم صورت می‌گرفت، من به یاد ندارم که غیر از آن افزایش برای حقوق‌های بالا داشته باشیم».

نکته

صفایی‌فراهانی: علت جهش میزان حقوق‌ها بی‌انضباطی مالی بود که در دولت احمدی‌نژاد رخ داد». در این دوره ارزش پول ملی به صورت وحشتناکی سقوط کرد و این باعث شد دستمزدها بالا برود

مخالفت رئیس دولت اصلاحات با پاداش پژو

رمضان‌زاده در ادامه با ذکر خاطره دیگری می‌گوید: «من به طور صریح بگویم. یکی، دو مورد پیشنهاد افزایش حقوق در کمیسیون‌های دولت که من دبیر آنها بودم، مطرح شد و ما به صورت پیشنهاد در جلسات هیأت دولت مطرح می‌کردیم. آقای خاتمی به سازمان برنامه ارائه می‌داد و سازمان هم مخالفت می‌کرد».

او همچنین به مخالفت رئیس دولت اصلاحات با پاداش پژو هم اشاره کرده و می‌گوید: «یک بار دیگر پیشنهادی در اواخر دولت خاتمی در هفته‌های آخر دولت مطرح شد که به هر یک از اعضای هیأت دولت یک پژو هدیه داده شود. با این پیشنهاد هم شخص آقای خاتمی به‌صراحت مخالفت کرد. به خاطر دارم قیمت پژو در آن مقطع ۱۴ یا ۱۵ میلیون تومان بود».

پرداخت نشان در دولت اصلاحات

رمضان‌زاده اما درباره اعطای نشان‌های دولتی هم می‌گوید: «آیین‌نامه نشان‌های دولتی مشخص است. این نشان‌ها هر کدام مزایای خاصی دارد. قبل از دولت اصلاحات، در دولت هاشمی هم نشان ارائه شده است. مثلا آقای دانش‌جعفری در دولت هاشمی نشان جهاد دریافت کرد. برخی از اعضای دولت خاتمی هم این نشان را دریافت کردند. اعطای این نشان‌ها به خاطر کارهای ویژه‌ای بود که افراد انجام داده بودند و همان زمان هم به صورت شفاف اعلام می‌شد. این نشان‌ها هم به تعداد محدود حتی کمتر از تعداد انگشتان دست، به بعضی از اعضای دولت از جمله محمود حجتی به خاطر خودکفایی گندم اعطا شده است. هیچ‌کدام از نشان‌هایی که در دولت خاتمی ارائه شد، به افراد سیاسی خاصی داده نشد، بلکه به خاطر خدمتشان بوده است».

تأمین فضای باز برای رقبا

اما چرا در دولت‌های اصلاحات، خبری از اختلاس و فساد گسترده مالی و البته حقوق‌های میلیونی نبوده است. یکی از دلایل آن بی‌شک می‌تواند فضای باز رسانه‌ای باشد. آنچه در اصلاحات به بهار مطبوعات شهره شد. مطبوعاتی همسو که خود تندترین نقدها را به دولت متبوعشان داشتند. از طرف دیگر حضور احزاب بود و همچنین حضور قدرتمند جریان رقیب. اینها عواملی است که رمضان‌زاده به آن اشاره می‌کند. او در توضیح بیشتر می‌گوید: «در دولت اصلاحات، به دلیل فضای باز مطبوعات، فضای باز رقیب و احزاب رقیب، اگر کسی هم قصد و نیت تخلف داشت، به خاطر فضای باز عمومی نمی‌توانست این کار را کند. من قبلا هم گفته‌ام که اعضای دولت خاتمی با اعضای دولت روحانی و هاشمی تفاوت بنیادی از نظر شخصیتی ندارند، اما فضای عمومی جامعه و نظارت سازمان‌های رقیب مانع از آن می‌شد که کسی تخلف کند. در همین راستا من به دولت توصیه می‌کنم که فضای باز را برای رقبای خود ایجاد کند».

چرایی جهش حقوق‌ها از دولت احمدی‌نژاد به این سو

صفایی‌فراهانی اما در تحلیل چگونگی این اتفاق می‌گوید که «علت جهش میزان حقوق‌ها از دولت اصلاحات به بعد، بی‌انضباطی مالی بود که در دولت احمدی‌نژاد رخ داد». به گفته صفایی‌فراهانی، در این دوره ارزش پول ملی به صورت وحشتناکی سقوط کرد. یعنی ۷۵ درصد ارزش پول ملی از بین رفت و این باعث شد دستمزدها بالا برود. همین اتفاق ناشی از بی‌انضباطی بود. دولت احمدی‌نژاد نزدیک به ۸۰۰ میلیارد دلار پول نفت در اختیار داشت. پول زیادی به دولت منتقل شد. مثلا بودجه جاری دولت در سال ۸۳، ۲۳ هزار میلیارد تومان بود. در سال ۸۶ به نظرم این عدد، ۸۰ هزار میلیارد تومان شد. این نشان می‌دهد که دولت منابع زیادی را وارد بودجه جاری کرد. از طرف دیگر چون به ردیف‌های بودجه اعتقادی نداشت و قبول نداشت که ردیف‌ها را اعمال کند، به صورت فله‌ای بودجه را اجرائی کردند. اینها همه باعث شد نظام حقوق و دستمزد دچار تغییرات زیادی شود. حقوق‌ها تا پایان دولت اصلاحات، ۱۰ درصد حقوق‌هایی است که امروز روی آنها بحث می‌شود.

مقصر کیست

رمضان‌زاده با تأکید بر اینکه در ماجرای فیش‌های حقوقی حتما تخلف صورت گرفته، می‌گوید: «تصورم این است کسانی که حقوق‌های زیاد دریافت کردند، مقصر نیستند. اگرچه باید این مبالغ به بیت‌المال بازگردانده شود، اما مقصر مجامع شرکت‌ها هستند که ترکیب آن را وزرا تشکیل می‌دهند و باید دراین‌باره توضیح دهند. همچنین بخشی از وزارت اقتصاد که اداره کل مجامع را برعهده دارد باید دراین‌باره پاسخ‌گو باشد».

آنچه در ماجرای فیش‌های حقوقی به نظر می‌رسد، این است که ظاهرا سنگ بنای این عمارت کج را دولت‌های نهم و دهم پی‌ریزی کرده‌اند، اما اینکه چرا این موضوع در دولت روحانی رسیدگی نشده است، خود بحث دیگری است. موضوعی که اگرچه قصور است و باید متخلفان بازخواست شوند، اما باید این نکته را لحاظ کرد که آنچه روی داده و خسارتی که به بیت‌المال از ناحیه این حقوق‌ها وارد شده، هرگز به پای فساد سه‌هزارمیلیاردی و فساد بزرگ نفتی در دولت محمود احمدی‌نژاد نمی‌رسد.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اعتماد

● روزنامه هم‌میهن توقیف شد
● پوتین و بوش در کنفرانس مطبوعاتی خود اعلام کردند: با هم مشکلی نداریم
● ادامه پس‌لرزه‌های کاهش ناگهانی نرخ سود بانکی؛ احتمال خداحافظی مدیران بانکی قوت گرفت
● سخنگوی دولت: مردم از سهمیه‌بندی بنزین راضی هستند
● هندی‌ها در جدیدترین اظهارنظر مدعی شدند: مقامات ایران به قراردادها پایبند نیستند
● محمدرضا باهنر: سهمیه‌بندی بنزین افتخار تاریخی اصولگرایان
● وزیر خارجه عربستان پیشنهاد داد: تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای بین ایران و اعراب

ایران

● الهام: دولت طرحی برای بنزین آزاد ندارد
● فرمانده کل سپاه پاسداران: دشمنان درصدد شکاف میان کشورهای عربی با ایران هستند
● پیام رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به سران اتحادیه آفریقا: ظلم تاریخی باعث محرومیت ملت آفریقا شده است
● وزرای دولت نهم هر چهارشنبه با خبرنگاران گفت‌وگو می‌کنند
● باهنر، نایب‌رئیس اول مجلس: سهمیه‌بندی بنزین سند افتخار اصولگرایان است
● معاون اجرائی رئیس‌جمهور: حمایت‌های مقام معظم رهبری مسئولیت دولت را سنگین‌تر می‌کند
● ناکامی بوش در جلب نظر پوتین برای تحریم ایران

کیهان

● وزیر نفت: میزان و نرخ بنزین آزاد براساس نیاز مردم تعیین خواهد شد
● نشست مشترک وزرای مسکن و تعاون برای اجرای طرح واگذاری زمین اجاره‌ای به تعاونی‌ها
● معاون وزیر کار: ۲ میلیون شغل ایجاد می‌کنیم
● حدادعادل: جمهوری اسلامی شرایط حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی را فراهم کرده است
● نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی: سهمیه‌بندی بنزین از افتخارات تاریخی دولت نهم است
● سخنگوی جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری: به رقیب تعرض نمی‌کنیم

آفتاب

● پیام رئیس‌جمهور به اجلاس اتحادیه آفریقایی: کشور ما از ابتدا حامی ملت‌های آفریقایی بوده است
● حزب مشارکت به لغو امتیاز روزنامه خود اعتراض می‌کند
● وزیر ارشاد: رسانه‌ها باید توصیف مثبت از سهام عدالت داشته باشند
● رئیس قوه قضائیه: برای تقویت ارکان خانواده باید از تمامی امکانات کشور استفاده کرد
● دادستان کل کشور: پیگیری تقاضاهای صنفی با رعایت قانون، اقدام علیه امنیت ملی نیست
● سخنگوی حزب اعتماد ملی خبر داد: دیدار با ناطق‌نوری، مهدوی‌کنی و میرحسین موسوی

جمهوری اسلامی

● رآکتور نیروگاه اتمی بوشهر تا دوماه آینده آزمایش می‌شود
● لس‌آنجلس‌تایمز: همه از بوش به ستوه آمده‌اند
● در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس خواستار رفع مشکلات ایجادشده بعد از سهمیه‌بندی بنزین شد
● توسط بهاء حریری صورت گرفت: افشای رابطه «سعد حریری» با رژیم صهیونیستی
● رئیس قوه قضائیه در دیدار با جمعی از زنان فعال در عرصه‌های اجتماعی: اسلام مدافع سرسخت حقوق زنان است

اطلاعات

● احمدی‌نژاد در جمع صادرکنندگان: هیچ‌کس حق ندارد منافع ملی را فدای رقابت‌های سازمانی و صنفی کند
● هشدار شدید طالبانی به ترکیه درباره حمله به عراق
● ۲۴ شرکت خارجی خریدار ۱۷ بلوک اکتشاف نفت ایران شدند
● معاون اول رئیس‌جمهوری: دولت از نخبگان کشور حمایت مادی و معنوی می‌کند
● وزیر کشور: نیاز مردم به سهمیه بیشتر بنزین در آینده حل می‌شود.